

امروز شنبه 3 مرداد 2 شعبان 25 ژوئیه

گرچه پیش از هجرت پیامبر اسلام(ص)، برخی از عبادات مانند نماز و طهارت بر مسلمانان واجب شده بود، ولی برخی دیگر مانند روزه، زکات و تغییر قبله پس از هجرت به مدینه منوره، فرض و واجب گردید...

**واجب شدن روزه ماه رمضان در سال دوم هجری قمری**

گرچه پیش از هجرت پیامبر اسلام(ص)، برخی از عبادات مانند نماز و طهارت بر مسلمانان واجب شده بود، ولی برخی دیگر مانند روزه، زکات و تغییر قبله پس از هجرت به مدینه منوره، فرض و واجب گردید.

بنا به روایتی در روز دوم ماه شعبان، سال دوم هجری قمری، روزه ماه رمضان واجب گردید و این آیه شریفه در همین رابطه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شد، همان گونه بر کسانی که پیش از شما بودند نوشته شده بود، تا پرهیزگار گردید.

در دو آیه بعد، ماه رمضان را برای روزه گرفتن معین کرد و فرمود: شهر رَمَضانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنَ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ، فَلْيَصُمْهُ ...

یعنی: [روزه در چند روز محدود] ماه رمضان است، ماهی که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است، پس هر کس از شما که در ماه رمضان، در وطن باشد، باید روزه بدارد ...

صاحب مجمع البیان، در تعریف صوم (روزه) گفت: و هو في الشرع امساک عن اشیاء مخصوصه علي وجه مخصوص، ممن هو علي صفات مخصوصه في زمان مخصوص.

یعنی: روزه در شرع مقدس اسلام، عبارت است از خودنگاه داری از چیزهای خاص بر وجه مخصوص، از کسی که دارای صفات ویژه و در زمان خاص باشد.

اکثر مورخان و محدثان، بدون تعیین روز، به طور مطلق گفته اند که این حکم در ماه شعبان سال دوم قمری واجب گردید ولی شیخ عباس قمی در وقایع الایام، گفته است که این حکم در دوم و به قولی در روز آخر ماه شعبان سال دوم قمری فرض گردید.

آغاز غزوه بنی مطلق در سال پنجم هجری قمری

بنی مطلق، که طایفه ای از قبیله خزاعه بودند، در ناحیه "فرع" اقامت داشته و با طایفه "بنی مدلیج" هم پیمان بودند. رئیس طایفه بنی مطلق، "حارث بن ابي ضرار" بود. وی پس از آن که از اقامت رسول خدا(ص) در مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در این منطقه باخبر شد، بسان سایر بزرگان شرك و کفر، نسبت به ریاست و حاکمیت قبیله ای خویش، احساس خطر نمود و در صدد دشمنی و مبارزه با این دین جدید برآمد. وی علاوه بر مردان جنگجوی قبله خویش، مردان بسیاری از طوایف هم پیمان و هم جوار خویش را گرد آورد و ساز و برگ جنگی آنان را فراهم کرد و قصد هجوم به مدینه را نمود.

این خبر به اطلاع پیامبر(ص) رسید و آن حضرت، یکی از یاران خود به نام "بریده اسلمی" را برای تحقیق و تفحص به سوی بنی مطلق روان کرد، تا اطلاع کافی و وافی از تعداد دشمن و ساز و کار آنان به دست آورد.

بریده اسلمی مأموریت خود را به نیکی انجام داد و تمام اطلاعات بدست آمده از بنی مطلق را در اختیار پیامبر(ص) گذاشت. آن حضرت با سی نفر سواره نظام (که بیست نفر از مسلمانان انصار و ده نفر از مهاجرین بودند) در دوم شعبان سال پنجم و به روایتی سال ششم قمری به سوی ناحیه محل سکونت بنی مطلق حرکت کرد.

برخی از رزمندگان اسلام در این غزوه عبارت بودند از: امام علی بن ابی طالب(ع)، عمار بن یاسر، مقداد بن عمرو، سعد بن معاذ، زبیر بن عوام، ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، طلحه بن عبیدالله، اسید بن حضیر، ابوعبید بن جبر و ...

واقفی، صاحب کتاب ارزشمند "المغازی" گفت: و خرج مع رسول الله صلي الله عليه و سلم بشر كثير من المنافقين لم يخرجوا في غزاه قط مثلها، ليس بهم رغبة في الجهاد الا أن يصيبوا من عرض الدنيا و قرب عليهم السفر.

یعنی: تعداد زیادی از منافقان به همراه رسول خدا(ص) در این غزه شرکت نمودند. در حالی که آنان در هیچ غزوه ای به مانند این غزوه با رسول خدا(ص) حرکت نمی کردند. آنان هیچ رغبتی به جهاد نداشته و ندارند، مگر این که احساس کنند که به مال دنیا و غنیمت جنگی در سفری کوتاه (و بدون مشکلات خاصی) دست یابند.

به هر روی پیامبر(ص) در مکانی به نام "مریسیع" که چشمه آبی در آن حوالی بود، فرود آمد و از همسران آن حضرت، امّ سلمه و عایشه همراهش بودند. در آن جا پیامبر(ص) به مقدار کافی آب ذخیره کرد و سپاهیان را در دو دسته رزمی صف بندی نمود و به سوی دشمن حرکت کرد.

دشمنان اسلام که از هیبت و شکوه سپاه اسلام، دچار ترس و وحشت شده بودند، معرکه را ترك کرده و به بیابان ها گریختند و تنها قوم بنی مطلق باقی ماندند.

میان مسلمانان مبارز و قوم بنی مطلق، درگیری آغاز شد و طرفین به نبردی سنگین پرداختند. در این غزوه، دلیری و دلاوری مردی امام علی بن ابی طالب (ع) دیدنی و مثال زندی بود و پس از او مردانی چون عمار، مقداد و زبیر. اما ساعتی نگذشت که دشمن زبون، متحمل شکست گردید و با دادن ده کشته، از جمله کشته شدن حارث بن ابی ضرار، پرچم پیروزی اسلام برافراشته شد و دویست تن از مردان، زنان و کودکان اسیر شده و اموال و دارایی های فراوانی به غنیمت سپاه اسلام درآمد.

از مسلمانان، تنها یک نفر در این غزوه به شهادت رسید.

پس از پایان جنگ و تقسیم غنایم و اسیران، "جویریة بنت حارث بن ابی ضرار"، که زنی فهیم و خوش زبان بود، نصیب یکی از رزمندگان اسلام شد و بنا به درخواست خود وی، پیامبر اسلام (ص) وی را از آن مسلمان خرید و در راه خدا آزاد کرد و سپس با وی ازدواج نمود و به میمنت این ازدواج، تعداد یکصد تن از زنان و کودکان، آزاد شدند. عایشه در این باره گفت: فأعتق مائة أهل بیت بتزویج رسول الله صلی الله علیه و سلم ایّاهما، فلا أعلم امرأة أعظم برکة علی قومها منها.

گفتنی است که در همین غزوه، داستان افک و تهمت ناروا به عایشه به وقوع پیوست و قرآن مجید در آیه 11 سوره نور (24) آن را تکذیب نمود.

ترور فضل بن سهل در حمام سرخس در سال 202 هجری قمری

فضل بن سهل، مردی دوراندیش، کاردان، دانشمند و رزم آورد بود و از آغاز رشد مأمون عباسی در خراسان، در کنار وی و از تربیت کنندگان و راهنمایان اصلی مأمون بود. وی در نبرد سنگین میان سپاهیان مأمون و سپاهیان امین در سال 197 قمری، مدیریت جنگی سپاهیان مأمون را بر عهده داشت و آن را به نیکی و پیروزی در محرم سال 198 قمری به پایان برد و اقتدار و خلافت مأمون عباسی را در سراسر عالم اسلام فراگیر و تثبیت نمود و بدین جهت از سوی مأمون به "ذوالریاستین" ملقب گردید.

فضل بن سهل، در فراخوانی امام رضا (ع) به خراسان و پذیرش ولایت عهدی مأمون عباسی، نظر مساعد داشت و شاید محرک اصلی مأمون در این کار مهم، خود فضل بن سهل بود.

به هر روی، پس از آن که مأمون عباسی به رشد سیاسی و مدیریتی رسید و بر تمام ابعاد حکومتی و تمام مناطق اسلامی، استیلای کامل یافت، تصمیم گرفت از شهر "مرو" واقع در خراسان بزرگ، هجرت کند و به وطن اصلی خویش و پدرانش "بغداد" برگردد.

هنگامی که مأمون به سوی بغداد برمی گشت، در آغاز فضل بن سهل را از سوی مزدوران ناشناخته حکومتی، در حمام سرخس ترور کرده و وی را ناجوانمردانه به قتل آورد و سپس در طوس، امام رضا (ع) را مسموم و آن حضرت را غریبانه به شهادت رسانید و بدین طریق، دو عنصر اصلی حکومت و خلافت خویش را از سر راه برداشت و با خیالی آسوده به سوی عراق رفت و رضایت عباسیان مقیم بغداد را از این طریق فراهم آورد.

مورخان، تاریخ کشته شدن فضل بن سهل در حمام سرخس را، ماه شعبان دانسته اند. در کتاب "مسند الامام الرضا (ع)" این واقعه را در شعبان سال 203 و در وقایع الایام، در دوم شعبان سال 202 قمری ذکر کرده اند.

ولی به نظر می رسد که تاریخ مزبور، مقرون به صحت نباشد. زیرا امام رضا (ع) در آخر ماه صفر سال 203 قمری به شهادت رسید و مطمئناً قتل فضل بن سهل، اندکی پیش از شهادت امام رضا (ع) بود.

بنابراین، باید قتل فضل بن سهل در ماه محرم و یا ماه صفر سال 203 قمری واقع شده باشد. والله عالم.

تولد شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن منصور مشهور به خواجه عبدالله انصاری در سال 396 هجری قمری

شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن منصور مشهور به خواجه عبدالله انصاری، نویسنده، شاعر، محدث و مفسر پراوازه قرن 5 هجری قمری در سال 396 هجری قمری در شهر هرات متولد شد. او از اعیان ابویوب انصاری صحابی معروف پیامبر اکرم (ص) بود. شیخ انصاری از کودکی زبانی گویا، طبعی روان و حافظه ای قوی داشت. او پس از تحصیل علوم دینی و ادبی راهی سفر شد و در بازگشت با شیخ ابوالحسن خرقانی ملاقات و مباحثه کرد. خواجه عبدالله انصاری در تصوف از شیخ خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او بشمار می رفت. شیخ انصاری آثار منظوم و منثور فراوانی به زبانهای عربی و فارسی دارد که مشهورترین آنها «مناجات نامه، ذم الکلام و منازل السائرین» است. این عارف دانا سرانجام در ذیحجه سال 481 هجری قمری بدرود حیات گفت و در گارگاه هرات به آغوش خاک سپرده شد.

انتشار نخستین شماره روزنامه نسیم شمال در شهر هرات در سال 1325 هجری قمری

نخستین شماره «روزنامه نسیم شمال» در شهر هرات در سال 1325 هجری قمری منتشر شد. مدیر و صاحب امتیاز این روزنامه فکاهی- سیاسی سید اشرف الدین قزوینی معروف به گیلانی بود. انتشار روزنامه نسیم شمال تا زمان انحلال مجلس ادامه داشت. اما پس از گلوله باران مجلس و برچیده شدن روزنامه ها و انجمتها، روزنامه نسیم شمال نیز توقیف شد.